



انتقاد بورل از اروپا

جوزپ بورل، مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در بیانیه‌ای اعلام کرد که اتحادیه اروپا نه‌تنها روح خود را از دست داده است، بلکه با فروپاشی اعتبار جهانی مواجه است. وی همچنین تأکید کرد که رژیم صهیونیستی حقوق بشر را نقض می‌کند و اتحادیه اروپا بر اساس معاهدات خود ملزم به اتخاذ اقدامی در این زمینه است. بورل در ادامه افزود: ما باید اقدام قضایی علیه بی‌عملی مؤسسات اتحادیه اروپا در قبال کشتار غزه انجام دهیم. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که بر اساس گزارش‌ها، رژیم صهیونیستی به طور سیستماتیک به‌مرکز توزیع کمک‌ها و مناطق مسکونی حمله و از ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه جلوگیری می‌کند. این حملات باعث تشدید بحران انسانی در غزه شده است. غزه از ماه‌ها پیش با بحران شدید انسانی مواجه است و مردم این منطقه، به‌ویژه کودکان و زنان، در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنند. کمبود شدید غذا، آب و دارو، جان بسیاری از مردم را به خطر انداخته است.



نزوم بر خورد با اسرائیل

وزیر امور خارجه بلژیک هشدار داد دولت متبوعش در صورت کوتاهی در برخورد سرسختانه با رژیم صهیونیستی و به رسمیت نشناختن کشور مستقل فلسطین با بحران بزرگی مواجه خواهد شد. «ماکسیم پروو»، وزیر امور خارجه بلژیک دیروز تأکید کرد دولت بروکسل چنانچه با رژیم صهیونیستی به شکل محکم‌تری برخورد نکرده و کشور فلسطین را به رسمیت نشناسد بر سر درگیر شدن در یک «بحران بزرگ» ریسک کرده است. پروو در مصاحبه با روزنامه «دی استاندارد» بیان کرد: «در صورتی که دولت موضع شدیدتری در قبال نقض حقوق بشر از سوی دولت اسرائیل اتخاذ نکرد یا فلسطین را به رسمیت نشناسد، ریسک یک بحران بزرگ وجود خواهد داشت.» او همچنین تصریح داشت در صورت لاینحل ماندن این مسئله این احتمال را که تصمیمات مهم دولت را بلوکه کند منتفی نمی‌داند.



عقب‌نشینی مشروط

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با استقبال از تصمیم دولت لبنان مبنی بر انحصار سلاح در اختیار نهادهای رسمی، ادعا کرد در صورت تحقق خلع سلاح حزب‌الله تا پایان سال ۲۰۲۵، این رژیم به‌تدریج حضور نظامی خود را در جنوب لبنان کاهش خواهد داد. «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز دوشنبه در بیانیه‌ای رسمی، با چشم‌پوشی از اشغال خاک لبنان توسط ارتش این رژیم و نقض حاکمیت آن، تصمیم اخیر بیروت برای انحصار سلاح در اختیار دولت را «فرصتی برای بازپس‌گیری حاکمیت و تقویت نهادهای رسمی لبنان» توصیف کرد. طبق گزارش شبکه الحدث، وی با تأکید بر اینکه خلع سلاح حزب‌الله «گامی اساسی» در این مسیر به شمار می‌آید، افزود: «اسرائیل اقدامات لبنان را در زمینه محدود کردن سلاح ارج می‌نهد.» نتانیاهو که ارتش تحت امر او به‌صورت روزانه در حال نقض آتش‌بس در لبنان و حمله به این کشور است، در ادامه اظهار داشت که اگر دولت لبنان موفق شود تا پایان سال ۲۰۲۵ سلاح را صرفاً در اختیار نهادهای رسمی قرار دهد، ارتش رژیم صهیونیستی به‌صورت تدریجی حضور خود را در جنوب لبنان کاهش خواهد داد.

خود دفاع می‌کنند و ارتش‌هایی که به کشور دیگری حمله می‌کنند، تفاوت وجود دارد. همانطور که خطوط کوتاه تدارکات به اوکراین کمک کرده است، اگر ایالات متحده به حمله ادامه دهد، خطوط کوتاه تدارکات به نفع روسیه نیز خواهد بود.

بنابراین کسانی که می‌خواهند ایالات متحده درگیر شود و ضربه نهایی را به روسیه وارد کند، باید این واقعیت را در نظر بگیرند که اوکراین جای جنگ با روس‌ها نیست. آلمان غربی جای بسیار خوبی بود. از قضا، اگر ایالات متحده می‌خواهد در یک جنگ متعارف با روسیه بجنگد، باید روسیه را تشویق کند که نیروی اصلی خود را به غرب دور بفرستد. مسکو اما این کار را نخواهد کرد.

نکته این است که مانند سایر جنگ‌هایی که ایالات متحده در آن شرکت کرده، نباید خطرات را دست کم بگیرد یا منافع خود را بیش از حد ارزیابی کند. ایالات متحده در تضعیف روسیه ذینفع است، اما یک مداخله مؤثر از چندین جهت گسترده و آسیب‌پذیر خواهد بود. به همین دلیل است که می‌گویم ایالات متحده باید منافع ملی خود را با خطراتی که متحمل می‌شود، هماهنگ کند. از نظر من، استراتژی بایدن-ترامپ مبنی بر تأمین اطلاعات و سلاح برای اوکراین جهت سرکوب روس‌ها و انتظار برای یک پایان مبتنی بر مذاکره، تنها استراتژی قابل اجرا و بهترین راه برای پیگیری منافع ملی آمریکا است.

فراتر از مرزهای اسلوواکی رخ داده است. این آسیب یک روز بعد تعمیر شد و تحویل به هر دو کشور از سر گرفته شد اما با توجه به وابستگی شدید آنها به انرژی روسیه و اهمیت استراتژیک این خط لوله، تعلیق طولانی‌تر می‌توانست فشار بیشتری بر هر دو دولت وارد کند.

ناآرامی‌ها در صربستان را نمی‌توان به طور جداگانه فهم کرد. رویدادها در این کشور عمیقاً به چالش‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تری که مسکو و واشنگتن را درگیر می‌کند، گره خورده است. به هر حال، در بالکان بود که روسیه پس از جنگ سرد، زمانی که خود را به عنوان متحد استراتژیک صربستان قرار داد، تجدید حیات خود را آغاز کرد. مسکو مدت‌هاست استدلال می‌کند که واشنگتن با حمایت از اهداف جدایی‌طلبانه کرووو، سابقه‌ای برای نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی در مورد تمامیت ارضی ایجاد کرده است.

صربستان که توسط کشورهای عضو ناتو احاطه شده و نامزد عضویت در اتحادیه اروپا است، به شدت مورد توجه مسکو قرار دارد و در میانه یک کشمکش ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. از نظر بروکسل و واشنگتن، اطمینان از اینکه صربستان از اردوگاه یورو-آتلانتیک بیشتر منحرف نشود، برای جلوگیری از بی‌ثباتی در سراسر بالکان ضروری است. از نظر مسکو، بلگراد یکی از معدود پایگاه‌های باقی‌مانده روسیه در قاره اروپا است. بنابراین، همسویی صربستان با روسیه می‌تواند تعادل استراتژیک را در جنوب شرقی اروپا و فراتر از آن به نفع مسکو شکل دهد.

تحولات صربستان همچنین می‌تواند فراتر از مرزهای آن طنین‌انداز شود و بر دینامیک‌های سیاسی در مجارستان و اسلوواکی - دو عضو اتحادیه اروپا و ناتو که به شدت به انرژی روسیه وابسته هستند - تأثیر بگذارد. هر دو دولت تلاش کرده‌اند تا در رویکرد خود به جنگ روسیه و اوکراین، بین غرب و مسکو تعادل برقرار کنند اما این استراتژی در عمل آنها را به موضع روسیه نزدیک‌تر کرده است.

از این نظر، رویدادهای صربستان به ندرت فقط مربوط به سیاست صربستان است. ایالات متحده انگیزه کمی برای تشویق به وقوع انقلاب در صربستان دارد و اتحادیه اروپا نیز هیچ علاقه‌ای به سرنگونی دولت در بلگراد ندارد، به‌خصوص با توجه به اینکه هیچ جایگزین معتبری در چشم‌انداز دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد روسیه برای مدیریت بحران بالکان از توان کافی برخوردار نیست و رسانه‌های روسی، به طرز شگفت‌آوری، در روزهای اخیر توجه نسبتاً کمی به سیاست صربستان داشته‌اند. این سکوت می‌تواند نشان‌دهنده دغدغه بیشتر مسکو در قبال اوکراین باشد. احتمال دیگر نیز این است که مسکو می‌خواهد منتظر زمان مناسب باشد تا درست قبل از اینکه اوضاع رو به وخامت را شعلهور کرده و دستور کار بین‌المللی شلوغ غرب را پیچیده‌تر کند، اوضاع در صربستان وخیم‌تر شود.

بنابراین، زمینه رخدادها بسیار مهم است. پس از دیدار ترامپ و پوتین در ۱۵ آگوست در آلاسکا، نشستی در واشنگتن برگزار شد که ترامپ، رئیس‌جمهور اوکراین و رهبران کلیدی اروپایی را گرد هم آورد. این دیدار، تغییری را بر جسته کرد: به نظر می‌رسد واشنگتن قصد دارد نشان دهد که نیازی به رهبری اروپا در اوکراین ندارد، بلکه از اروپایی‌ها انتظار دارد که مسئولیت بیشتری در مدیریت این درگیری بر عهده بگیرند. با این حال، چالش این است که «اروپا» یک کشور واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از نهادها و ائتلاف‌هاست نظیر اتحادیه اروپا، ناتو و ائتلافی از کشورهای داوطلب. در ناتو و اتحادیه اروپا، مجارستان و اسلوواکی احتمالاً اجماع در مورد هر آنچه که در آینده برای اوکراین در پیش است را پیچیده می‌کند، حتی اگر پیچیدگی فقط به‌معنای به‌تأخیر انداختن فرآیند تصمیم‌گیری باشد و اگر بحران داخلی صربستان بدتر شود به همسایگانش سرایت کند، ناتو و اتحادیه اروپا ممکن است خود را درگیر بحران دیگری در جبهه‌ای که از قبل بی‌ثبات شده است، ببینند.

گردآوری و ترجمه: آریا صدیقی

مدت، استقرار نیروها کاملاً آسیب‌پذیر خواهد بود.

لجستیک هم یک نگرانی جدی‌تر است. در طول جنگ سرد، نیروهای آمریکایی در آلمان و مناطقی در غرب متمرکز بودند. خطوط تدارکاتی از بنادر فرانسه و آلمان نسبتاً کوتاه بود. فاصله این بنادر تا اوکراین نزدیک به ۲ هزار مایل (۳۲۰۰ کیلومتر) است. ناتو فرض این بود که با روسیه در یک جنگ دفاعی درگیر خواهد شد، با خطوطی که برای ذخیره تدارکات در نزدیکی جبهه در دسترس است، و تدارکات ایالات متحده حداکثر از کشتی‌هایی که چند صد مایل دورتر هستند، تخلیه خواهند شد. بنادر نزدیک‌تری در لهستان وجود دارد، اما کشتی‌ها باید از یک نقطه انسداد عبور کنند و بنابراین در برابر پهپادها و موشک‌های روسی بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. از سوی دیگر، روسیه خطوط تدارکاتی بسیار کوتاه‌تری خواهد داشت.

استراتژی مقابله با روسیه فرضش این بود که مسکو با انتقال نیروهای خود به غرب، مشکلات لجستیکی عظیمی خواهد داشت و ناتو در خطوط تدارکاتی بسیار کوتاه‌تری خواهد جنگید. این استدلال همیشه به عنوان یک عامل بازدارنده اصلی برای روسیه تلقی می‌شد؛ مداخله ایالات متحده در اوکراین این استدلال را خنثی می‌کند. درست است که روسیه در اوکراین خوب جنگیده است، اما بین ارتش‌هایی که از سرزمین

اما برای بحث بیشتر، بیابید بگوییم که اروپا حداقل می‌تواند نیروهای ایالات متحده را افزایش دهد. البته روسیه احتمالاً نیروهای مؤثر کمتری نسبت به اعداد اعلام‌شده دارد و ارتش آن تاکنون در اوکراین نسبتاً ناآرام بوده است. با این حال، ایالات متحده باید تعداد قابل توجهی از نیروهای خود را نسبت به آنچه در اروپا موجود است، مستقر کند. انجام این کار زمان زیادی می‌برد که در طی آن زمان نیروهای روسی در واکنش بسیج شده و به طور مشابه مستقر خواهند شد.

یک مشکل جداگانه اما مرتبط، مربوط به فناوری است. در اوکراین، تحولات در فناوری، دفاع را مؤثرتر از حمله کرده است. استفاده از ماهواره‌ها و پهپادها، موجب می‌شود که تعداد زیاد نیروهای متمرکز برای یک حمله به شدت آسیب‌پذیر شود. تاکنون، روسیه عموماً

کشوری بوده که نیروهای خود را برای حمله متمرکز کرده و اوکراین عمدتاً در حالت دفاعی قرار داشته است. در مداخله‌ای که ایالات متحده برای تضعیف توانایی روسیه در تهدید اروپا طراحی کرده است، هدف سیاسی، درهم شکستن ارتش روسیه برای جلوگیری از تهاجمات بیشتر روسیه خواهد بود. طبق تعریف، این امر ایالات متحده را در موقعیت تهاجمی قرار می‌دهد و زمان لازم برای استقرار یک نیروی تهاجمی، چند ماه خواهد بود، نه چند روز، که در این



هجومش بالکان

دازه در راستای سیاست‌های روسیه است؟

در ماه ژوئیه، دولت پیش‌بینی رشد اقتصادی خود را به شدت کاهش داد و از ۲/۵ درصد به تنها ۱ درصد رساند. تورم با وجود کنترل‌های موقت قیمت، بسیار بالاتر از ۴ درصد است، از جمله بیش از ۶ درصد برای مواد غذایی. این ناامیدی فزاینده با مشتری‌مداری و خود-ثروت‌جویی دولت تشدید شده و اعتماد به حزب فیدز، نخست‌وزیر ویکتور اوربان را به‌ویژه در مناطق روستایی که از نظر تاریخی وفادار بوده‌اند، از بین می‌برد.

چند رخداد تصادفی رخ داده که ممکن است نشان دهد که اوضاع به کدام سمت می‌رود. در همان روزی که در هفته گذشته خشونت در صربستان آغاز شد، سرویس اطلاعات خارجی روسیه گزارشی منتشر کرد که ادعا می‌کرد اتحادیه اروپا در تلاش برای سرنگونی دولت‌های اسلوواکی، صربستان و مجارستان است. این گزارش تنها یک روز قبل از دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در آلاسکا منتشر شد که ظاهراً بر اوکراین متمرکز بود، اما انتظار می‌رفت به سایر حوزه‌های مورد نگرانی ایالات متحده و روسیه نیز بپردازد.

سپس، در ۱۸ آگوست، صادرات نفت روسیه به مجارستان و اسلوواکی از طریق خط لوله دروژبا پس از حمله پهپادی اوکراین به یک ایستگاه پمپاژ روسیه به طور ناگهانی متوقف شد. مجارستان این حمله را به عنوان حمله‌ای به امنیت انرژی خود محکوم کرد. شرکت ترانس‌پترول، اپراتور خط لوله اسلوواکی، این اختلال را تأیید کرد، اما گفت که این حادثه

حمایت عمومی از عضویت در اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی کاهش یافته است. در یک نظرسنجی که اخیراً منتشر شده، ۵۲ درصد از صرب‌ها گفته‌اند که به عضویت در این بلوک رأی منفی می‌دهند. در حالی که تنها ۳۹ درصد گفتند که به آن رأی مثبت می‌دهند. در مقایسه، یک نظرسنجی در سراسر بالکان در اوایل سال گذشته نشان داد که ۳۴ درصد از صرب‌ها مخالف عضویت در اتحادیه اروپا هستند، در حالی که ۴۰ درصد گفتند که از آن حمایت می‌کنند.

در واقع، این وویچ است که اخیراً بر تعمیق روابط صربستان با اتحادیه اروپا، ایجاد پیشنهادها و دیپلماتیک و ارائه اصلاحات محدود برای جلب رضایت بروکسل تأکید کرده است. با این حال، بسیاری از معترضان می‌گویند که از این تلاش‌ها مزایای اقتصادی ملموس یا بسیار کمی دیده‌اند. آنها نخبگان سیاسی را فرصت‌طلب می‌دانند که مایل به تجارت با هر کسی - حتی اتحادیه اروپا - برای پیشرفت هستند. آنها به طور فزاینده‌ای معتقدند که اتحادیه اروپا چنین رفتاری را تحمل می‌کند تا از مواجهه با بحران دیگری در آستانه خود جلوگیری کند. معترضان همچنین به رشد اقتصادی کند این کشور اشاره می‌کنند. بانک مرکزی صربستان که در ماه فوریه رشد ۴/۵ درصدی را پیش‌بینی کرده بود، اخیراً پیش‌بینی رشد ۲۰۲۵ خود را به ۲/۷ درصد کاهش داده است. تورم حدود ۵ درصد است. مجارستان نیز فشار اقتصادی مشابهی را تجربه می‌کند.